۴ ساعت تلاش برای نجات بانوی کوهنورد در کرمان

رئیس جمعیت هلال احمر کرمان، گفت: با اعلام مرکز کنترل هماهنگی و عملیات اضطراری جمعیت هلال احمر، بدون فوت وقت، نجاتگران تیم امدادونجات پایگاه کوهستان به محل حادثه اعزام شدند. او با اشاره به اینکه عملیات امدادونجات به مدت ۴ ساعت به طول انجامید، در تشریح این خبر افزود: یک خانم کوهنورد، پس از صعود به قله اصلی در مسیر بازگشت در ناحیه زانو دچار آسیب دیدگی، افت فشار خون و شوک می‌شود. سلطانی به تاریکی شب و وضعیت جسمانی مصدوم اشاره کرد و بیان داشت: نجاتگران تیم کوهستان در این عملیات سخت و طاقت فرسا، مصدوم را به دامنه کوه منتقل کردند و تحویل عوامل اورژانس دادند.

خبر

بستری ۵۹ بیمار جدید مبتلا به کرونا در بیمارستان‌های کرمان

فارس: شفیعی در تشریح آخرین وضعیت بیماری کووید ۱۹ در استان کرمان اظهار کرد: موارد بستری قطعی کرونا هم‌اکنون در بیمارستان‌های استان کرمان ۳۵۱ مورد است که به تفکیک در کرمان ۲۲۹ نفر، رفسنجان ۱۹ نفر، جیرفت ۵۶ نفر، بم ۶ نفر و سیرجان ۴۱ نفر بستری هستند. سخنگوی دانشگاه علوم پزشکی کرمان تعداد کل موارد بستری مثبت کرونا در استان کرمان را ۲۰ هزار و ۱۰۷ نفر و موارد جدید بستری در ۲۴ ساعت گذشته در بیمارستان‌های استان را ۵۹ نفر اعلام کرد. وی با اشاره به اینکه در ۲۴ ساعت گذشته ۱۰ نفر بر اثر کرونا جان خود را از دست دادند، مجموع فوتی‌های قطعی کرونا از ابتدا تاکنون در استان را ۲ هزار و ۸۴۴ نفر برشمرد.

باید و نبایدهای انتشار اخبار خشونت‌بار در گفت‌وگو با سینا قنبرپور؛

حوادث‌نویسی با اعمال شاقه

سمیرا سرچمی

خبرهای حوادث گاه با روایتی از خشونت عریان همراه هستند. خبرهایی مثل همین قتل اخیر در سیرجان یا نمونه‌ی عریان‌تر و خشن‌ترش در خبر سراسری که مربوط به قتل یک کارگردان میانسال توسط پدر و مادر پیرش بود! درباره‌ی چگونگی خبررسانی و خبرگیری این نوع حوادث خشن، اتفاق نظری میان مردم وجود ندارد. چه آنان که در کار تهیه‌ی خبر هستند و چه مخاطبان و چه مسوولان قضایی و انتظامی که خبر را در اختیار رسانه‌ها می‌گذارند. به همین بهانه به سراغ سینا قنبرپور از بنام‌های حوادث‌نویسی در ایران می‌روم تا دغدغه‌ها را پیرامون خبرنویسیِ اتفاقات خشونت‌بار را با او در میان بگذارم. قنبرپور پیش از این تجربه‌ی حضور در استان ما و شهر سیرجان را داشته است برای آموزش دادن به خبرنگاران حوادث.

■ آیا خبرهایی مثل مرگ آقای خرمدین توسط پدر و مادرش باید ریز به ریز و با جزییات کار شود؟ آیا این باعث ایجاد وحشت در جامعه نمی‌شود؟

پیش از هر چیز باید توجه داشته باشیم که دیروز شبکه‌های اجتماعی زودتر از روزنامه‌ها و رسانه‌های رسمی خبر دادند و خیلی زود تحلیل هم نوشتند. درحالی که هنوز جزییات بسیاری وجود دارد که چه بسا در روزهای آینده منتشر شود.

نکته دیگر این که میان اطلاعات دادن و جزییات را تشریح کردن؛ تفاوت وجود دارد.

باید ببینیم هدف‌مون از دادن جزییات چیه؟

اینکه صرفا جزییات را لخت و عریان توضیح بدهیم، بله موجب ترس و ایجاد شوک می‌شود.

اما مساله مهم این است که ما موقع دادن جزییات و تشریح یک فاجعه از ضربه‌گیر استفاده کنیم.

■ یعنی برای اینکه زهر مطلبی را بگیریم باید کلمات را تغییر داد؟ مثلا در قتل رومینا به جای داس از یک شی نوک‌تیز استفاده شده بود؟

منظورم از اینکه کلمات را درست استفاده بکنیم یا زهر کلمات را بگیریم این نیست که شما مثلن به جای داس بگویید یک شی نوک تیز. در پزشکی قانونی موقعی که می‌خواهد بگویند بریدگی به چه شکلی ایجاد شده و چه کیفیتی داشته این گونه توصیف می‌کنند که مثلا یک جسم سخت یا یک جسم نوک تیز. اون پزشک قانونی که جسم برنده را ندیده که چاقو بوده یا داس بوده. اون بر اساس نوع برندگی‌ئی که بر اون جسم داشته می‌گوید جسم نوک تیز. با توجه به سطح مقطعی که روی بدن ایجاد شده توصیفش می‌کند. اما اینکه ما اون عبارتی که در پزشکی قانونی برای توصیف به کار برده شده است را بیاوریم به جای ابزار قتل در توصیف خبر استفاده بکنیم، این تاثیر مخرب روانی خبر بچه‌کشی را کم نمی‌کند. چون مهم قتلی بوده که اتفاق افتاده حالا با جسم نوک تیز یا با هرچی. اصلاً قرص داده بچه بخوره تا خیلی هم ملایم بمیرد.

نکته بسیار مهم در حوادث‌نویسی این است که اساسا مطلب حوادثی را با چه رویکردی بنویسیم؟ نه اینکه ما خودمون مطلب بنویسیم و روانشناس و حقوقدان هم نظرشان رو بگویند.

در واقع منِ خبرنگار باید پیش از نوشتن گزارش و دادن جزییات و اطلاعات چنان با کارشناسان تبادل نظر و بحث کرده باشم که بدانم هر داده‌ای چه اثری بر مخاطبم دارد و چه جوری باید بهش کمک کنم برای هضمش. اینجاست که تحلیلی نوشتن حوادث و حتا یک روایت بدون نظر کارشناس ولی تحلیلی اهمیت پیدا می‌کند.

■ در سیرجان چند قتل فجیع در ماه‌های اخیر رخ داده. با جزییات نوشتن این خبرها مورد انتقاد قرار گرفت که رعایت جنبه مخرب روانی ریز جزییات خشن را در انتشارش نکرده‌اند و برخی اهالی رسانه گفتند پرداختن به ماجرا از زاویه‌ی صرفا تحلیل کافی بوده؟

تحلیل بدون جزییات ممکن نیست و این هم که صرفا یک وکیل و حقوقدان بیاید نظرش را بگوید، مطلب ما تحلیلی نمی‌شود.

اما اینکه انتشار جزیات به نوعی خودش بازی کردن با روح و روان افراد جامعه است، باید بگویم بله هست. ولی فرض بگیریم شما رسانه را هم نخوانید. آیا با جمع هم ارتباط ندارید؟ آیا توی مهمونی‌های خانوادگی حرفای مردم را نمی‌شنوید و از جزییات آن خبر بد مطلع نمی‌شوید؟ حرفای مردم که ذهنیت‌های خودشان را هم قاطی آن می‌کنند، خیلی بیشتر می‌تواند روح و روان آدم‌ها را به هم بریزد. ماجرا یک قتل را از رسانه نخوانید. اطلاع هم نداشته باشید. یک نفر تعریف کند، چه می‌خواهید بکنید؟

■ سینا قنبرپور: ما در هر صورت باید جزییات و اطلاعات دقیق به مخاطب‌مان بدهیم وگرنه اون وقتی ببینه یک جای دیگه جزییات بیشتری داد شده، به سراغ اون می‌رود و اعتمادش از ما رفته رفته سلب می‌شود. پس جزییات و اطلاعات دقیق رو باید بدهیم. در عین حال پیش از نوشتن گزارش باید علاوه بر ساختار یک گزارش برای آن طراحی می‌کردیم که بدانیم چه جمله و چه کلمه‌هایی به کار بگیری و کجا در کنار اطلاعات یک جمله‌ی کارشناسی یا تحلیل را هم بگنجانیم.

چون روایت‌های این چنینی از جنس زندگی آدم‌ها هستند و جذاب‌اند و نقل محافل می‌شوند. برای جذاب‌تر شدن یک کلاغ چل کلاغ هم در جزییات قتل می‌کنند. درحالی که ما در رسانه یاد می‌گیریم اطلاعات را چه طوری استخراج و منتقل کنیم. چه کلماتی به کار بگیریم که خواننده با کمترین آسیب روانی، بیشترین حجم اطلاعات را دریافت بکند و خودش به یک تحلیلی برسد که بعد از این باید چه کار بکند و مراقب چه مسائلی باشد یا نباشد.

■ آیا بیان جزییات درباره چنین اتفاقاتی ضروری هست یا نه؟ آیا باید به آن کامل پرداخته شود یا بخش‌هایی که باعث آزار مخاطب می‌شود را باید حذف و در واقع سانسور کرد؟

ما در هر صورت باید جزییات و اطلاعات دقیق به مخاطب‌مان بدهیم وگرنه اون وقتی ببینه یک جای دیگه جزییات بیشتری داد شده، به سراغ اون می‌رود و اعتمادش از ما رفته رفته سلب می‌شود. پس جزییات و اطلاعات دقیق رو باید بدهیم. در عین حال پیش از نوشتن گزارش باید علاوه بر ساختار یک گزارش برای آن طراحی می‌کردیم که بدانیم چه جمله و چه کلمه‌هایی به کار بگیری و کجا در کنار اطلاعات یک جمله‌ی کارشناسی یا تحلیل را هم بگنجانیم.

■ شما فکر می‌کنید صبحت با تحلیلگر؛ روانشناس و... تاثیری در جلوگیری از اتفاقات این چنینی دارد؟

با یک دفعه صحبت که تاثیر نخواهد داشت. مساله الان این است که باید مشخص کنید می‌خواهید زهر مطلب را بگیرید (آثار روانی را کاهش دهید) یا مساله فقط پیشگیری است؟

سال ۱۳۸۱ انجمن جامعه‌شناسی ایران همایشی برگزار کرد. مقالات ارائه شده بعداً با همکاری انتشارات آگه منتشر شد. یکی از مقالات حاصل تحقیق دو جرم‌شناس کشور درباره همسرکشی در ۱۵ استان بود. آن‌ها حتا محل وقوع قتل را در تحقیق‌شون بررسی کردند. چون محل قتل هم پیام داره.

محل قتل : خانه خودش یه پیام است. اما کجای خانه بوده هم خودش یک پیام مضاعف دارد. اتاق خواب؟ حمام؟ آشپزخانه؟ پس جزییات برای تحلیل بسیار مهم است.

پیشگیری یک امر به مرور و نیازمند زمان است. با یک بار نوشتن نمی‌توانید از یک اتفاق پیشگیری بکنید. جنس پیشگیری این است که شما به مرور از بچگی یاد می‌گیرید دست به آتیش نزنید تا به این درک برسید که آتیش می‌سوزونه. چند بار هم سوختن را تجربه هم کرده‌اید.

روزنامه هر روز باید چیزی بنویسد و مرتب تاکید کند تا بعد از چند سال در مردم تبدیل به عادت بشود و مبدل بشود به پیشگیری. کمربند ایمنی به مرور جا افتاد. هی گفته شد. با یکبار گفتن اتفاق نیفتد.

رفتارهای انسانی با تمرین و مرور زمان تغییر می‌کند. چون سخت است که رفتار اکتسابی کسی که از بچگی با آن بزرگ شده و خو گرفته را بخواهی در بزرگسالی و میانسالی آن را تغییر بدهی. با یکبار نوشتن اتفاقی برای پیشگیری رخ نخواهد داد. در بهترین حالت اگر خیلی حرفه‌ای و دقیق از جملات استفاده کرده باشید شاید یک جرقه در ذهن مخاطب‌تان بزند که بخواهد پیگیری بکند و یک فردی برود مشکل خودش را حل کند. برود پیش مشاور. بخواهد آسیب شناسی بکند.

چندین سال است من دارم از همه آدم‌ها به ویژه خانم‌ها خواهش می‌کنم که برای سوار شدن در خودروی مسافرکش‌های غیر رسمی مراقب باشند. آیا این هشدارها باعث شد این پدیده کم بشود؟ همین هفته پیش پلیس تهران یک راننده زانتیا را گرفته که در ماشین را معیوب کرده و خانم‌ها را می دزدیده و بهشون تعرض می‌کرده. از این چیزها کم نداشتیم که حال‌مان به هم می‌خورده و اعصاب و روان‌مان را به بازی می‌گیرد اما این باعث نشد که احتیاط بیشتری بکنیم تا جلوی این حادثه ها گرفته بشه. قطعا به صفر هم نمی‌رسد اما می‌توانیم خیلی آمارش را کمتر کنیم.

■ اهالی رسانه در سیرجان برای انتشار خبرهای خشونت‌بار با نگرانی‌هایی مثل این روبرو هستند که برای مثال نام شهر به بدی در نرود.
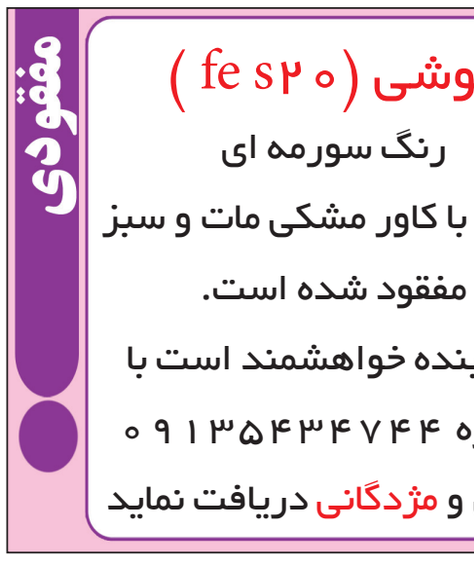
در سه سفری که به استان کرمان داشتم، چه توی سیرجان و چه خود شهر کرمان، عمده مشکل بچه‌ها این بود که مثلا اگر یک آقایی در یکی از شهرهای استان زنش را کشته و بعد مشخص شده که زنش با یک کس دیگری ارتباط داشته، خبر را چگونه بنویسند؟ این میان محل کوچک است و باید فکر آبروی خانواده‌ها را کرد و مسایلی از این قبیل دست خبرنگار را می‌بندد ولی حتما می‌شود راهی برای انتشار درست خبر پیدا کرد و وارد جزییات شد بدون اینکه آبروی خانواده‌ای برود. وظیفه‌ی ماست که اگر یک راهی بسته ش، یک راه جدید پیدا کنیم.